



جریه‌های کرب را بر حرامیاء

سلاحی کارآمد به گستره تاریخ ملل

مهیار اهدین لایف

اشاره:

جنگ پدیده‌ای نامطلوب در فرهنگ عمومی جامعه بشری بوده و تمامی آیین‌ها، با تفاوت در میزان حساسیت، نسبت به پدیده جنگ بدبین هستند. در جوامع مختلف، جنگ متأثر از زمینه‌های متفاوت اعتقادی، جنبه‌های زشت و زیبا یافته و بسته به زمینه‌های فرهنگی و تبلیغی، در بسترهای گوناگون قومی، دینی، جغرافیایی و سیاسی؛ معانی متفاوت ایجاد می‌کند. به طور نمونه، در فرهنگ‌هایی که به صورت مثبت جنگ را مورد بررسی قرار می‌دهند، این واژه آمیزه‌ای از ایثار، شجاعت و از خودگذشتگی را در بر می‌گیرد. در جوامع دینی هنگامی که پدیده جنگ با متن باورهای مقدس و یقینی آمیخته می‌شود، محصول آن ظهور ساده حق و باطل و خیر و شر است. بی تردید این تفکر کارآمد دینی، می‌تواند تواناتر از تمام ایده‌های فطری و عقلانی در تجهیز قهرمانان جنگ موفق باشد. در این هنگام است که بار ارزشی کلمات تغییر یافته و جنگ تبدیل به «جهاد» و کشته شدن مبدل به «شهادت» می‌شود و رسیدن به این مرحله؛ آرزوی هر رزمنده‌ای.

ج - مرحله اتصال: فرد وارد مرحله جدید و موقعیتی با منزلت‌های جدید می‌شود.

شهادت به حکم این که عملی آگاهانه و اختیاری بوده و در راه رسیدن به هدفی مقدس است و از هر گونه انگیزه خودگرایانه منزّه و مبرا است، تحسین انگیز و افتخار آمیز است. شهادت، قداست خود را از راه فدا کردن آگاهانه تمام هستی فرد در راه هدفی مقدس کسب می‌کند.^۴ واژه «شهید» در فرهنگ‌های گوناگون، همراه با اختلاف معنایی ژرف است. این عنوان در کشورهای اسلامی به معنای حضور، حی، حیات، گواه و نمونه است. البته با تمام اختلافات معنایی در واژه شهادت، می‌توان اصول و آرمان‌های مشترکی را در بین فرهنگ‌های گوناگون برای آن یافت.

شهادت در تاریخ ملل و ادیان

شهادت در دین مسیح، با عروج حضرت عیسی (ع) و برخی پیروانش پیوند خورده است. بنابر باور برخی از مسیحیان، مسیح (ع) از دشمنی و توطئه زعمای دین یهود نسبت به خود آگاهی داشت و خود را برای شهادت آماده ساخته بود. بنا به روایتی او در آخرین نشستی که با حواریون ترتیب داده بود، شرکت کرد و سپس رئیس کاهنان عده‌ای را به دنبال عیسی (ع) فرستاد و اسخریوطی وی را به گروهی که با شمشیر به سراغ او آمده بودند، تحویل داد.^۵

هر چند به نص قرآن کریم، مسیح را به صلیب نکشیدند و نکشتند و امر بر آن‌ها مشتبه شد، اما مسیحیان درباره او چنین گمانی دارند و عجیب‌تر این که در دین مسیح (ع) به این نکته تأکید می‌شود که شهادت مسیح (ع) به این دلیل بود تا تمامی گناهان بشر با شهادت حضرت مسیح (ع) پاک شود. به هر حال، در نظر مسیحیان، کشته شدن در راه خدا، یکی از نشانه‌های تقدیس و نزدیکی به خداوند است و این مفهوم دارای ارزش

به نظر می‌رسد جنگ‌ها، فصل مشترک و مهم حیات بشری هستند و چنان دوام و حیات آدمی با آن‌ها عجین شده که دیگر نمی‌توان میان جنگ و صلح، فاصله‌ای ایجاد کرد. ویل دورانت، اندیشمند آمریکایی، می‌گوید: «جنگ یکی از عناصر پایدار تاریخ است و تمدن و دموکراسی از آن چیزی نکاسته‌اند. از ۳۴۲۱ سال اخیر که تاریخ مدون وجود دارد، تنها ۲۸۶ سال آن بدون جنگ گذشته است.»^۱

استحاله ارزش‌ها به طور منظم و ناگهان به وسیله جنگ صورت می‌گیرد و جنگ به محض اعلان، ما را به جهان اخلاقی نوینی وارد می‌کند.^۲ این که به چه دلیل می‌جنگیم و چرا کشته می‌شویم، مسائلی است که رسیدن به پاسخ صحیح برای آن‌ها تأثیر به‌سزایی در روحیه مقاومت سربازان از یکسو و خانواده‌های آنان از سوی دیگر خواهد داشت.

ورود به دنیای ارزش‌های نوین، از جریان جنگ پدیده‌ای مثبت می‌سازد و افراد را تشویق به مرگ در راه عقیده و آرمان می‌کند. در این بین، گذشتن از جان در راه خدا و دین، به پدیده‌مرگ‌داوطلبانه و هدفمند، جلوه‌ای خاص و معنوی می‌دهد. در اعتقادات دینی، میل به کشته شدن در راه خدا، بهترین دلیل برای از جان گذشتگی است و هیچ نامی جز «شهادت طلبی» از بینه آن نیست. بی‌شک شهادت طلبی موضوع ساده‌ای نیست که به آسانی درون هر کسی شروع به جوشش نماید و فریب‌برای وصال به این درجه از اعتقاد، نیازمند طی مراحل گوناگون است.

شهادت طلبی

آرنولد وان گنپ بر این باور بود که فرد داوطلب باید مرحله‌ای را طی کند تا به رزمندگی ایتارگر و آماده‌جانبازی تبدیل شود.^۳ الف - مرحله انفصال: با طی این دوره، فرد از جامعه خود جدا می‌شود.

ب- مرحله گذر یا برزخ: طی آن فرد دیگر نه به جامعه و نه به مرحله پیشین وابسته است و نه در حالت انزوا و تنزل به سر می‌برد.

شهادت به حکم این که عملی آگاهانه و اختیاری بوده و در راه رسیدن به هدفی مقدس است و از هر گونه انگیزه خودگرایانه منزّه و مبرا است، تحسین انگیز و افتخار آمیز است.

MARTYRDOM



فرهنگ «شهادت‌طلبی» در غرب پس از جنگ جهانی اول و خصوصاً دوم، رو به ضعف نهاد و مفهوم آن عناوینی چون وطن‌پرستی و مبارزه با خشونت را در بر گرفت.

یاسر، سمیه، جعفر طیار، حمزه سیدالشهداء، حارثه، مقداد و ... اشاره کرد. علاقه به شهادت بعد از رحلت رسول اکرم (ص) نیز قابل توجه است. امام علی (ع) بارها با شجاعت به دل دشمن می‌تازید و روحیه شهادت‌طلبی را به یاران خود می‌آموخت؛ از جمله آنان «اویس قرنی» بود که در رکاب حضرت به شهادت رسید.^{۱۰}

روحیه شهادت‌طلبی در مذهب شیعه با ظهور نهضت حضرت امام حسین (ع) به اوج خود رسید و از الگوهای تأثیر گذار برای نسل‌های بعدی خود شد.

در بین ملل گوناگون، ژاپنی‌ها نیز از دیرباز به وطن‌پرستی و احساساتی چون پرستش آب و خاک و ارادت و فرمانبرداری از امپراتور، اهمیت فراوان می‌دادند. این اعتقاد ژاپنی‌ها ریشه در آیین «شینتو» داشته است که در آن احترام به کشور و مذهب، از اصول کلی اعتقادی محسوب می‌شود.

در تاریخ معاصر ژاپن، مفهوم از خودگذشتگی و نپذیرفتن ننگ، در میان ارتش به چشم می‌خورد. خلبانان جوان داوطلب ژاپن، شب پیش از انجام مأموریت انتحاری، در مراسم عزاداری شرکت می‌کردند، لباس سفید می‌پوشیدند - نماد جامه‌ی عزا - و بدین ترتیب به گونه‌ای نمادین، خود را از علایق دنیوی می‌پیراستند و صبح روز بعد، در باند پرواز، هر یک جعبه‌ای کوچک دریافت کرده که قاعدتاً باید خاکسترشان در آن جای می‌گرفت. این گروه به داوطلبان مرگ یا «کامی‌کازه» معروف بودند.^{۱۱}

به‌طور حتم آنچه روحیه‌ی مرگ‌طلبی را در این سربازان توجیه می‌کرد، حفظ حیثیت، دوری از خواری‌طلبی، روحیه‌ی وطن‌پرستی و یاور مفاهیم فرهنگی و آیینی بوده است.

والایی است. به نظر می‌رسد شهادت در اروپا و میان شوالیه‌ها، یکی از جلوه‌های معنوی جنگ تحت تعالیم مسیحیت بود. این جریان در اواسط قرون وسطی به وجود آمد و عامل تأثیر بسیاری در زندگی فرهنگی و هنری و روابط سیاسی اجتماعی اروپاییان شد. شوالیه‌ها با مفاهیمی چون عزت، شرافت و شجاعت؛ به استقبال مرگ می‌رفتند.^۶

شهادت در دین یهود نیز همراه با مقاومت، صبر و استقامت است. بنابر نقل قول پیروان دین یهود، یکی از پیامبران قوم اسرائیل که شهید شد، ارمیای نبی بود. او از کشته شدن نهراسید و به احتمال زیاد، تحت شکنجه جان خود را از دست داد. شهادت حضرت یحیی و زکریا نیز قابل توجه است.

فرهنگ یهود، از سده دوم پیش از میلاد، مستقیماً با مفهوم شهادت «Martyrdom» آشنا شد. «آنتیوکوس دوم»، پادشاه سلوکی سوریه، رفتاری سخت و خشن نسبت به یهودیان پیش گرفت و به مقدسات آنان توهین کرد و بر روی معبد یهودیان پرستشگاه «ژئوس» را ساخت و آنان را مجبور به پرستش «ژئوس» و «دیونوسوس» کرد. مالیات سنگین بر روستاییان یهودی بست و کنشت‌ها و معابد یهودی را غارت کرد و از بین برد. این جنایت‌های یهودیان را به خشم آورد و علی‌رغم تحمل بسیاری از دشواری‌ها، تحمل خود را از دست داده و اقدام به شورش کرده و خود را برای مرگ آماده ساختند.^۷ در این بین زنی به نام «حنا» و هفت پسرش، حاضر به سجده در برابر «ژئوس» نشد و به دستور «آنتیوکوس» در معبد کشته شد.^۸ یهودیان از این زن و پسرانش به عنوان «Martyr» (شهید) یاد کردند و گفتند شهیدان پس از مرگ به زندگی جاوید می‌رسند.^۹

شهادت در اسلام با ظهور دین اسلام آغاز شد. این مفهوم به ویژه در دوران تبلیغ دین اسلام از سوی حضرت محمد (ص)، مشخص و نمادین است. شهادت و پایمردی بسیاری از یاران که در ابتدای تبلیغ به دین اسلام گرویده بودند، باعث شد مفهوم شهادت از تقدس خاصی برخوردار شود. از جمله شهدای صدر اسلام، می‌توان به عمار

انقلاب ایران، جهاد و شهادت را به عنوان یک فرهنگ غنی به جامعه شیعه و تحت ستم لبنان تزریق کرد و آنچهان جهاد و شهادت در بین جوانان لبنان طرفدار پیدا کرد که در رقابت با یکدیگر به استقبال شهادت می‌روند.



گفتند برای پیروزی بمیرید
مردیم غبار بود و خاکستر^{۱۵}

فرهنگ «شهادت طلبی» در غرب پس از جنگ جهانی اول و خصوصاً دوم، ربه ضعف نهاد و مفهوم آن عناوینی چون وطن پرستی و مبارزه با خشونت را در بر گرفت.

حامیان شهادت طلبی در دنیای امروز

خون و جان؛ گرانبها ترین و ارزشمندترین دارایی های انسان است و انسان مؤمن این دو کالا را با هیچ سرمایه ای عوض نمی کند؛ مگر برای دین. همان گونه که اشاره شد، فرهنگ مقاومت، جهاد و شهادت در همه ادیان آسمانی وجود داشته است، اما با توجه به تحریف های صورت گرفته در ادیان دیگر، این تعالیم همچون دیگر تعالیم و احکام دینی، در اسلام بسیار برجسته تر است.

در اسلام هر کس به خاطر خدا و در راه آرمان مقدس دین، جان خویش را فدا کند، جایگاهی بس رفیع و والا خواهد داشت. شرح ایثارگری های کسانی که با تمام وجودشان در راه پیشرفت آیین مقدس اسلام جان فشانی کرده اند، نشان می دهد که به دلیل اعتلا و گسترش، دین اسلام آموزش هایی را به پیروان خود داده است و در خلال این تعالیم، به آنان آموخته که شهادت در راه خدا و در طریق حق و عدالت، به معنای فنا و نابودی و مرگ نیست؛ بلکه جلال و شکوهی عظیم را در پی خواهد داشت؛ چرا که فرد از همه چیز خود برای رضای خدا و خشنودی او گذشته و در مقام استانه شهود، پیکر جسمانی را کنار نهاده و بی پروا و عاشقانه به سوی او پرواز می کند و خداوند نیز به او حیات جاویدان در نزد خود عطا می کند^{۱۶} خداوند در قرآن کریم فرموده: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»؛^{۱۷} هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند مرده اند، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.



شهادت طلبی در عصر جدید

رنسانس عظیم علمی در اروپا سبب شد تپا نخله های فکری جدیدی پا به عرصه وجود نهند که بعضا به اقتضای طبیعت جامعه اروپایی و وضعیت دگرگون شده جهان، شکل می گرفت.^{۱۸} تحولات پس از رنسانس، به طور عملی مسیحیت و به تبع آن یهود را به سمت چشم اندازهای مکاتب غیر الهی یا بشری چون او مانیسیم، ناسیونالیسم، سوسیالیسم و مارکسیسم سوق داده است.^{۱۹}

در قرن اخیر این ایده ها و مکاتب فکری بشری هستند که نقش باورهای دینی را در فرهنگ توده های مردم ایفا کرده و برای آن که در مواجهه با باورهای یقینی دین چون حق و باطل، نور و ظلمت و نصرت مؤمنان و خذلان کافران دچار کاستی نشوند، مارکسیسم با الهام از عصر تجربی پس از انقلاب صنعتی، یقینی بودن ایده هایش را در چارچوب تئوری های علمی تبلیغ کرد.

به هر روی امروز فرهنگ توده های جهان به ویژه در اروپای شرقی، آمریکای لاتین، آسیای دور و ... متأثر از اصول تفکر علمی مارکسیسم بوده و طبعاً ادب مقاومت در این حوزه ها، کمتر ریشه در باورهای دینی و مذهبی دارد.^{۱۴}

حذف شدن جنبه ها و اهداف دینی اعتقادی در دنیای صنعتی امروز، به حدی است که تأثیر ناامیدی حاصل از جنگ را حتی در اشعار شاعران غربی نیز به وضوح می توان یافت.

گفتند برای پیروزی تسلیم شوید
تسلیم شدیم غبار بود و خاکستر
گفتند برای پیروزی عاشق شوید
عاشق شدیم غبار بود و خاکستر



خون و جان؛ گرانبهارترین و ارزشمندترین دارایی‌های انسان است و انسان مؤمن این دو کالا را با هیچ سرمایه‌ای عوض نمی‌کند؛ مگر برای دین.

پدیده‌ی تمنای شهادت در سال‌های اخیر، به روشنی در وجود قهرمانان جان بر کف ایرانی دیده می‌شود و به تبع آن‌ها، جوانان فلسطینی و لبنانی به ندای حق، لبیک گفتند. انقلاب ایران؛ جهاد و شهادت را به عنوان یک فرهنگ غنی به جامعه شیعه و تحت ستم لبنان تزریق کرد و آنچنان جهاد و شهادت در بین جوانان لبنان طرفدار پیدا کرد که با الهام از جوانان ایرانی، پیشانی‌بندهای «یا مهدی»، «یا حسین» و «یا زهرا» بسته و در رقابت با یکدیگر به استقبال شهادت می‌روند.^{۱۸}

روحیه شهادت‌طلبی جوانان فلسطینی نیز ناشی از عشق به شهادت جوانان ایران است. این سلاح - شهادت‌طلبی - بزرگ‌ترین حربه‌ای است که خواب راحت را از چشم سردمداران صهیونیستی ربوده است.^{۱۹}

اسحاق رابین در مصاحبه تلویزیونی در مقابل سؤال «چرا کار را یکسره نمی‌کنید؟»، می‌گوید: «نهایت کاری که می‌توانیم انجام دهیم این است که آن‌ها را بکشیم، ولی این‌ها برای کشته شدن از یکدیگر سبقت می‌گیرند و باکی ندارند».^{۲۰}

حماسه جوانان شهادت‌طلب مسلمان در سرزمین‌های فلسطینی، چنان جذابیت و تأثیری به جای نهاد که باعث اشتیاق و علاقه و پیوستن جوانان مسیحی به جمع و محافل شهیدان آنان شده است. اتفاق مبارک شهادت‌طلبی جوانان مسیحی، از افراد و جوانان عامی و پرشور گذشته و به درون کلیسا هم رسوخ کرده تا جایی که کلیسای ارتدکس بیت‌المقدس، مسیحیان را به عملیات شهادت‌طلبانه علیه اشغالگران صهیونیست دعوت کرد.^{۲۱}

پدر عطاالله حنا، سخنگوی ارتدکس، در قدس و در مراسم روز عید تعمید حضرت مسیح (ع) در رود اردن، گفت: ما جوانان خود را به پیوستن به مقاومت و انجام عملیات شهادت‌طلبانه تشویق می‌کنیم و می‌گوییم که در بیرون راندن یهودیان صهیونیست بیگانه از سرزمین مادری، باید میان مسلمانان و مسیحیان همکاری و همبستگی باشد تا تمام فلسطین آزاد شود.^{۲۲}

اسلام معتقد است مجاهد برای تأمین هدف مقدس زندگی می‌کند و شهید در این راه به زندگی ابدی می‌رسد. شاید به همین دلیل است که می‌گویند، شهید همیشه زنده است و جهاد هرگز شکست نمی‌پذیرد.

امام خمینی (ره) در رابطه با شهادت‌طلبی جوانان ایران می‌گوید: «مردم برای اسلام خون می‌دهند نه برای سیاست ... ملت ما عاشق شهادت بود و با عشق به شهادت پیش رفت. اگر این عشق و علاقه نبود، هرگز ما در مقابل آن همه قدرت پیروز نمی‌شدیم».^{۲۳}

پی‌نوشت‌ها:

۱. دورانت، ویل؛ درس‌های تاریخ، مترجم: احمد بطحانی؛ تهران: ۱۳۵۸؛ ص ۱۱۹.
۲. گاستون، بوتول؛ جامعه‌شناسی جنگ؛ مترجم: هوشنگ فرخجسته؛ تهران: آموزش

- انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
۳. ساروخانی، ب؛ دایرةالمعارف علوم اجتماعی؛ تهران: نشر کیهان، ج ۱، ۱۳۷۰.
۴. سلیمی، ح؛ روانشناسی نظامی؛ تهران: انتشارات بین‌المللی نشر و تبلیغ بشری، ۱۳۶۸.
۵. شاعری، م.ح؛ جامعه‌شناسی شهادت‌طلبی و انگیزه‌های شهیدان؛ تهران: نشر شاهد، ۱۳۸۱.
۶. همان.
۷. خیراندیش، مهدی؛ عشق و شهادت در عرفان؛ تهران: فانوس خیال، ۱۳۸۵، ص ۲۹.
۸. دقیقیان، شیرین دخت؛ نردبانی به آسمان؛ تهران: ویدا، ۱۳۷۹، ص ۱۶۳.
۹. خیراندیش، همان، ص ۳۰.
۱۰. سبحانی، جعفر؛ فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام؛ تهران: نشر معشر، ۱۳۶۱.
۱۱. گاستون، بوتول؛ همان، ص ۶.
۱۲. کاکائی، عبدالجبار؛ بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان؛ تهران: پالیزان، ۱۳۸۰، ص ۶۰.
۱۳. همان، ص ۵۹.
۱۴. همان، ص ۱۲.
۱۵. سفیریس، جرج؛ آلبوم خیس، مترجم: رشید کرباسی؛ نارنج، ۱۳۷۵، ص ۴۰.
۱۶. خیراندیش، همان، ص ۲۲.
۱۷. آل عمران، ۱۶۹.
۱۸. پارسا، غلامعلی؛ جوانان در جهاد و شهادت؛ مشهد: نشر الف، ۱۳۸۵، ص ۱۶۸.
۱۹. همان، ص ۱۹۱.
۲۰. مجله پاسدار اسلام، ش ۲۴۶، ص ۳۲.
۲۱. پارسا، همان، ص ۱۹۴.
۲۲. هفته‌نامه صبح صادق، ش ۸۷، ۱۱/۱۷/۸۱.
۲۳. امام خمینی؛ تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام (ره)؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ص ۲۹۱.